

شیوه معماری شیروان

بهرام آجورلو*

چکیده

سبک شناسی معماری ایرانی کاستی‌ها و ناگفته‌های بسیار داشته است. شیروان یکی از شیوه‌های معماری اسلامی ایران در شمال آذربایجان است که تا کنون در ایران به کفایت معرفی نشده است. همچنین در جمهوری آذربایجان، به دلیل تأثیر نظام فکری-سیاسی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سابق، سبک شناسی معماری اسلامی گسسته از تاریخ و هنر ایرانی و فرهنگ اسلامی تحلیل و بررسی شده است.

بررسی آثار معماری به جای مانده از شیوه شیروان در شمال آذربایجان، که بدان عنوان زیبای "معماری عصر نظامی گنجوی" را داده اند، نشان می‌دهد که اسلوب معماری شیوه شیروان برآیند سرمشق‌های معماری عهد ساسانی و نیز تأثیر آموزه‌های معماری اسلامی خراسان بوده است. نگارنده در نوشتار حاضر کوشیده است که شیوه معماری شیروان را با سه شناسه اصلی تحلیل و معرفی کند:

۱. ایجاد وحدت نمای درون و برون بنا با کاربرد عنصر سنگ؛ که میراث معماری عهد ساسانی است.
۲. پلان چهار گوشه ساده و بدون ایوان برای مساجد؛ که برگرفته از پلان آتشکده‌های چهارطاقی است.
۳. تک مناره بلند و جدا از کالبد اصلی مسجد؛ که تأثیر معماری عهد سلجوقی خراسان است.

واژگان کلیدی

ایران، شمال آذربایجان، شیوه معماری شیروان، معماری عهد سلجوقی، معماری عهد ساسانی.

The Architectural Style of Shirvan

Bahram Ajourloo* PhD

Abstract

The stylistics of Iranian architecture is still problematic. The architectural style of Shirvan had been one of the Islamic types in the north of Azerbaijan which has not yet been well presented in Iran. In accordance with socio-cultural policies of the former USSR, furthermore, Islamic architecture in the Republic of Azerbaijan has been analyzed neither together with Iranian art and history nor Islamic culture. Surveying the architectural relics of the Shirvan Style, which is coined as the architectural style of Nizami of Ganja era, presents impressions of the both Sassanid patterns and style of Islamic architecture from Khorasan. By this article, the author presents three typical features of the Shirvan Style:

1. Usage of cut stone masonry to make interior and exterior façades up; which is derived from Sassanid architecture.
2. Designing of plain and rectangular plans without Iwan and arcades; this is derived from square dome fire temples of Sassanid era.
3. Attaching a high minaret closed to mosque or hospice (abbey) which is derived from the Islamic style of architecture in Seljukid Khorasan.

Key words

Iran, North of Azerbaijan, Shirvan Style of architecture, Seljukid architecture, Sassanid architecture.

مقدمه

مسئله نوشتار حاضر، بررسی و معرفی ویژگی‌ها و اسلوب معماری اسلامی سده‌های پنجم تا نهم هجری قمری در شمال آذربایجان، تحت عنوان شیوه شیروان، در قلمرو هنر و معماری ایرانی و نیز ارتباط آنها با اسلوب معماری اسلامی دیگر سرزمین‌های ایرانی است. این مسئله پژوهشی برآیند دو سؤال اصلی است:

۱. ویژگی‌ها و شناسه‌های شیوه معماری شیروان کدامند؟ آنها چگونه بازشناخته و تعریف می‌شوند؟
۲. قلمرو جغرافیایی و محدوده زمانی شیوه شیروان تا کجا بوده است؟ آیا از شمال آذربایجان فراتر رفت؟ و یا این که یک سنت محلی بازماند؟

سبک‌شناسی معماری اسلامی ایران بالاخص در آذربایجان کاستی‌ها و ناگفته‌های بسیار داشته است؛ یکی از همین کاستی‌ها و ناگفته‌ها عدم شناخت پژوهشگران تاریخ معماری ایران نسبت به معماری اسلامی سده‌های چهارم تا پنجم هجری قمری در شمال آذربایجان بوده است. تأثیر شیوه‌های معماران آذربایجانی بر معماری اسلامی ایران در سده‌های هفتم تا نهم هجری قمری تا بدانجا بوده است که شادروان پیرنیا، از پیشگامان سبک شناسی معماری ایران، سبکی به نام آذری را توصیف و پیشنهاد کرده است [پیرنیا ۱۳۵۰، ۱۳۵۴، ۱۳۶۹، ۱۳۸۰]. اما پیرنیا در بازشناسی و توصیف سبک آذری، از شیوه‌های محلی شمال آذربایجان و نحوه رابطه و تعامل آنها با اسلوب معماری دیگر مناطق ایران اصلاً شناختی نداشته است؛ که از آن جمله‌اند شیوه‌های معماری شیروان و نخجوان.

همچنین در جمهوری آذربایجان، به دلیل تأثیر نظام فکری- سیاسی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سابق، سبک‌شناسی معماری اسلامی گسسته از تاریخ و هنر ایرانی و فرهنگ اسلامی تحلیل و بررسی شده است [برای مثال، Efendizade, 1986]. از نمونه‌های شاخص و کلاسیک تاریخ معماری آذربایجان که عناصر ایرانی و اسلامی در آن به عمد غایب، مغفول و مفقود بوده و به طور کلی معماری اسلامی آذربایجان را تحت عنوان معماری "سده‌های میانی" جدا از بافت و بستر ایران و جهان اسلام معرفی کرده‌است باید به کتاب هنر آذربایجان اثر لئونید بریتانیسکی و همکارانش اشاره شود که در آلمان شرقی سابق منتشر شد [Bretanizki et al. 1988].

علیرغم تمامی تلاش‌ها برای عرضه و نمایش گسست‌های فرهنگی و تاریخی، پیوندهای فرهنگی- اجتماعی و هنری ایران و جمهوری آذربایجان در معماری تاریخی ایشان به خوبی بازتاب و تجلی یافته است؛ و بررسی آثار معماری به جای مانده از سده‌های پنجم و ششم هجری قمری در شمال آذربایجان که جعفر قیاسی، استاد معماری فرهنگستان علوم آذربایجان، بدان عنوان زیبای "معماری عصر نظامی گنجوی" را داده است [Qiyasi, 1991] نشان می‌دهد که اسلوب معماری این کهن بوم فرهنگ ایرانی برآیند سنت‌های کهن معماری ایران پیش از اسلام، روند تکاملی سنت‌های محلی و نیز تأثیرپذیری از معماری عهد سلجوقی خراسان بوده است. شیروان کهن‌ترین شیوه معماری در آذربایجان است که در سده پنجم هجری قمری در ناحیه شیروان بنیان گذاشته شد و در آن سرمشق‌های ساسانی و تأثیرات خراسانی مشاهده می‌شود. در نوشتار حاضر، نویسنده کوشیده است که سه شاخص و شناسه شیوه معماری شیروان را در چشم‌انداز و بستر فرهنگ و هنر ایرانی تحلیل و معرفی کرده، و نیز قلمرو زمانی- مکانی آن را تعیین کند.

ویژگی‌ها و شناسه‌های شیوه معماری شیروان

آثار معماری بر جای مانده از شیوه شیروان دارای اسلوب معماری ساده و بی‌تکلف بوده و در این زمینه معماران بیشتر به سنت‌های قدیمی محلی و مصالح بومی گرایش داشته‌اند. آثار شیوه معماری شیروان با سه شاخص از دیگر آثار معماری اسلامی ایران بازشناخته می‌شود:

۱. نماسازی واحد درون و برون بنا با کاربرد عنصر سنگ

ایجاد وحدت نمای درون و برون بنا ویژگی خاص شیوه شیروان است؛ که معمار این وحدت را با تأکید بر کاربرد سنگ‌های پاک‌تراش به عنوان مصالح اصلی بنایی در هر دو نمای درونی و بیرونی بنا آفریده است. این تأکید بر حجاری ساده و اجتناب از تزئینات پر تکلف آجرکاری و گچبری، که هم زمان با عصر نظامی گنجوی در خراسان بسیار رایج بود، ریشه در سنت‌های معماری عهدساسانی دارد. در معماری عهد ساسانی مشاهده می‌شود که جهت بیرونی بنا با کاربرد سنگ‌های پاک تراش و مکعب شکل از جنس سنگ آهک و یا سنگ ماسه نماسازی شده است که نمونه‌های شاخص این اسلوب معماری عبارت اند از معبد آناهیتای بیشاپور در پارس و تخت سلیمان (آتشکده آذرگشنسب) در جنوب آذربایجان [سرفراز ۱۳۴۷؛ فن در اوستن، نومان ۱۳۷۳؛ هرمان، ۱۳۷۳: ۶-۱۱۴، ۳۲-۱۲۷]. از الگوهای ساسانی مکتب شیروان باید به بنای آتشکده سرخ خانه (سوراخانی) باکو اشاره شود که بنایی است یکپارچه از سنگ (تصویر ۱).



تصویر ۱. آتشکده سرخ خانه باکو (با سپاس از آکادمیسین جعفر قیاسی)

شماری از ایران شناسان غربی آتشکده سرخ خانه باکو را اثری غیر ایرانی و پرستشگاه مهاجران هندو معرفی کرده‌اند؟! [Jackson, 1911: 39-56; Levi, 2002: 242-50]. طرح این دیدگاه اما در حالی بوده است که صرف نظر از عدم حضور تاریخی فرهنگ و هنر و آیین هندو در آذربایجان، پلان چهارطاقی و اسلوب معماری ساده و بی تکلف و سنگی سرخ خانه کاملاً قابل مقایسه با آتشکده‌های چهارطاقی عهد ساسانی است؛ که برای مثال باید به چهارطاقی‌های نیاسر و تنگ چک‌چک اشاره شود [هرمان ۱۳۷۳: ۱۴۵؛ هیلن براند ۱۳۷۷: ۷۳]. زرتشتی‌گری در آذربایجان قدمت تاریخی داشته و آذربایجان جایگاه آتشکده بزرگ شاهان و ارتشتاران ساسانی (تخت سلیمان: آذرگشنسب) بوده است. در معماری شیوه شیروان، به تاسی از الگوهای ساسانی، سنگ همیشه مصالح مطلوب معمار بوده و بر کاربست سنگ در اِزاره دیوارها بسیار تأکید می‌شد [Qiyasi, 1991: 44; 1997: 29]. در معماری ساسانی درون بنا را با گچبری می‌آراستند (هرمان، ۱۳۷۳) اما در شیوه شیروان، بر خلاف الگوهای ساسانی، گچبری رایج نیست و برای تزئین گاهی از هنر حجاری بهره گرفته‌اند [Qiyasi, 1991: 42-55].

در عهد ایلخانی کاربرد سنگ تراشیده تنها در بناهای آذربایجان مشاهده می‌شود؛ که از نمونه‌های شاخص آن مسجد سنگی ترک در میانه است [Kleiss, 1979] که در اصل میراث شیوه شیروان است [آجورلو، ۱۳۸۸]. شیوه نماسازی ساده و یکپارچه سنگی شیوه شیروان صرفاً به آذربایجان محدود نمانده و به آناتولی نیز راه یافت: مجموعه دینی دیوربی (۶۲۶ ه. ق) و مسجد سلطان علاءالدین کی قباد قونیه (۶۱۷ ه. ق) دارای نماسازی ساده و یکپارچه سنگی‌اند [هیلن براند، ۱۳۷۷: ۱۳۳، شکل ۶۳؛ ۱۳۴، شکل ۶۵؛ ۱۳۵، شکل ۲۱۰-۲] که البته این تأثیرپذیری با توجه به گسترش تاریخی و نفوذ سلاجقه روم از سمت آذربایجان به درون ترکیه حالیه چندان غریب نیست؛ خاصه این که معماری اسلامی ماقبل عثمانی در ترکیه از سرمشق‌های ایرانی تبعیت می‌کرد [هیلن براند ۱۳۷۷: ۱۳۰].

۲. پلان چهار گوشه ساده و بدون ایوان

پلان و فرم در شیوه شیروان تحت تأثیر چهارطاقی‌های ساسانی بوده است که در این معنا سرخ خانه باکو را باید سرمشق عینی معماران عصر نظامی گنجوی دانست؛ و به طور کلی معماران مکتب شیروان در زمینه فرم و پلان از اسلوب معماری خراسانی اواخر عهد سلجوقیان تبعیت نمی‌کنند؛ که در آن بر ساخت پلان متقارن دو یا تک ایوانی تأکید می‌شد [رک. کیانی، ۱۳۷۴]. بلکه در اینجا معمار به ساخت فضاهای چهار گوشه و ساده همانند چهارطاقی‌های ساسانی گرایش دارد که از این نظر با شبستان‌های ستون‌دار موسوم به عربی (Hypostyle) و یا انواع ایوان‌دار اصلاً قابل قیاس نیست. مسجد محمد باکو نمونه کلاسیک این پلان چهار گوشه ساده و فاقد ایوان است. همچنین در صورتی که صحن به ابنیه دینی مکتب شیروان اضافه شده باشد، تقارن رعایت نشده است؛ که بهترین مثال آن در مجموعه پیر حسین دیده می‌شود؛ و هر جا که معمار به ساخت طاق گرایش داشته است از اسلوب طاق ضربی عهد ساسانی بهره برده است.

۳. تک مناره بلند و جدا از کالبد اصلی مسجد

ساخت مناره‌های بلند آجری جدا از حجم و کالبد اصلی بناء با تزئینات آجرکاری دارای نقش‌مایه‌های هندسی و کتابت کوفی بر روی آجر و گچ از شاخص‌های معماری عهد سلجوقی در خراسان است [کیانی، ۱۳۷۴]. بنابراین افزودن یک مناره بلند جدا از کالبد اصلی مسجد را باید از نشانه‌های تأثیر سنت‌های معماری خراسان عهد سلجوقی بر معماری شیوه شیروان دانست؛ زیرا در دیگر نمونه‌های عهد سلجوقی آذربایجان مانند مساجد جامع تبریز و ارومیه و سجاس این شیوه مشاهده نمی‌شود. نیک می‌دانیم که مناره‌های مساجد فهرج، تاریخانه دامغان و برسیان را بعدها افزوده‌اند [کیانی، ۱۳۷۴: ۴۲، ۶۱] و مناره‌های مسجد جامع قزوین هم اصالت سلجوقی ندارند [Qiyasi, 1991: 45-6]. بنابراین به نظر می‌رسد که مسجد محمد باکو و مجموعه پیر حسین در ابتدا مناره نداشته و مناره‌های آنها را به تبعیت از سرمشق‌های خراسانی بعداً ساخته و افزوده‌اند. لاقلاً از کتیبه کوفی مجموعه پیر حسین می‌دانیم که قدمت مناره آن به سال ۶۵۴ ه. ق می‌رسد. اما در مناره‌های شیوه شیروان مشخصاتی دیده می‌شود که آنها را از انواع خراسانی متمایز می‌کند؛ این مناره‌ها دارای شرفه و نمای ساده سنگی بوده و با ردیفی از مقرنس‌های سنگی زیر شرفه تزئین می‌شوند.

نمونه‌های کلاسیک شیوه معماری شیروان

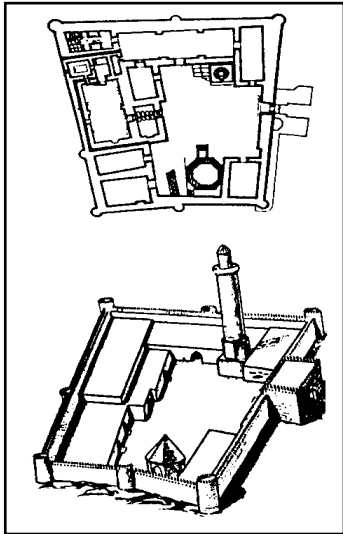
مسجد محمد باکو یا سینیق قلعه (۴۷۱ ه. ق) کهن‌ترین نمونه شاخص در شیوه شیروان است که در آن ویژگی‌های وحدت نمای درون و برون با استفاده از سنگ‌های مکعب شکل پاک‌تراش، رعایت سادگی و اجتناب از تزئینات پرکار، پلان چهار گوشه فاقد ایوان و بدون صحن همراه با یک مناره سنگی ساده و بلند و جدا از سازه مسجد به ارتفاع ۳۰ م مشاهده می‌شود (تصویر ۲). طاق نمازخانه را همانند چهارطاقی‌ها و یا تالارهای صلیبی شکل دوران ساسانیان به شیوه ضربی ساخته‌اند؛ که البته این اقتباس با توجه به اصالت ساسانی شهر باکو جای شگفتی ندارد. بر اساس داده‌های باستان‌شناختی قدمت شهر باکو به سده‌های چهارم و پنجم میلادی می‌رسد [Efendizade, 1986: 20-8]. ناگفته نماند که طبقه زیرین مسجد در سال ۱۹۸۸ م پیدا شد. باستان‌شناسان آذربایجان طبقه زیرین را در اصل بازمانده آتشکده‌ای می‌دانند که در دوران متقدم اسلامی کاربری آن را تغییر داده‌اند [Qiyasi, 1991: 43]. بنابراین می‌شود نتیجه گرفت که طراحی چهار گوشه و مساحت کم نمازخانه فوقانی (۴۰ متر مربع) برگرفته از پلان همین آتشکده ساسانی باشد.

نام اولیه مسجد محمد آشکار نیست؛ اما کتیبه‌ای کوفی با جمله "أمر باهذه البناء استاذ رئیس محمد ابن ابوبکر" به تاریخ ۴۷۱ ه. ق آن را به مسجد محمد معروف کرده است. پس از آن که در سال ۱۷۲۳ م یک گلوله توپ روس‌ها به محله آن (قلعه) اصابت کرد، به مسجد سینیق قلعه (مسجد محله قلعه شکسته) معروف شد [Eendizade, 1986: 22; Bretanizki et al, 1988: 84-94]. این کتیبه کوفی را زیر مقرنس‌های سنگی شرفه مناره حجاری کرده‌اند. [Qiyasi, 1991: 43].

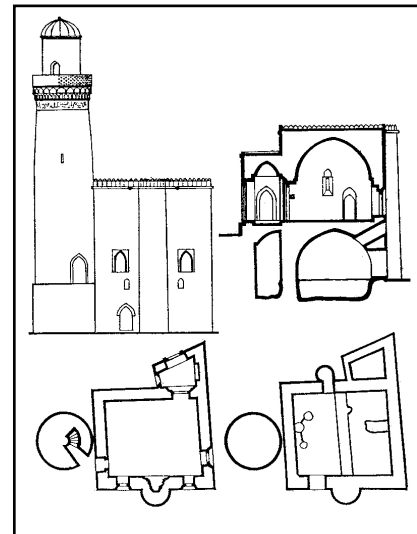
مسجد محمد باکو از منظر باستان‌شناسی و تاریخ معماری قدیمی‌ترین مسجد به جای مانده و کهن‌ترین اثر شناخته شده معماری اسلامی در سراسر آذربایجان و شمال غرب ایران و قفقاز است؛ که علاوه بر شواهد باستان‌شناختی، سازه ساده سنگی و پلان چهار

گوشه‌اش نشان می‌دهد که چگونه معماری سده‌های متقدم اسلامی در آذربایجان و قفقاز هنوز از سرمشق‌های عهد ساسانی تبعیت می‌کرده است.

مجموعه دینی پیرحسین، با نماسازی واحد و ساده و یکپارچه سنگی، دیگر نمونه شاخص در شیوه معماری شیروان است؛ که در ناحیه سالیان جمهوری آذربایجان قرار دارد (تصویر ۳).



تصویر ۳. پلان و اسکیس منظر سه بعدی مجموعه پیر حسین. مأخذ: همان



تصویر ۲. پلان و برش مسجد محمد باکو. مأخذ: Qiyasi, 1991

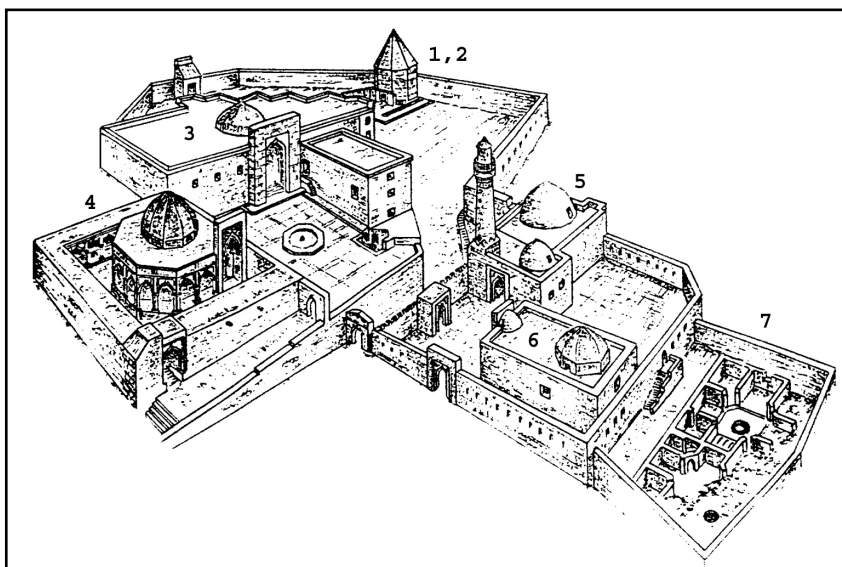
این مجموعه را در چند مرحله ساخته و تکمیل کرده‌اند [Qiyasi 1991: 50-51; 1997: 29]:

۱. آرامگاه برجی شکل پیرحسین شیروانی که در حدود سنه ۴۶۷ ه. ق در گذشته است.
۲. مسجدی به شکل یک تالار ساده بدون گنبد و یا طاق ضربی و ستون؛ که البته تاریخ احداث آن دقیقاً معلوم نیست اما باید از سده ششم هجری قمری باشد. نماسازی بیرونی مسجد و صحن کاملاً ساده و سنگی است.
۳. خانقاه پیرحسین که در سال‌های ۶۴۱ تا ۶۹۳ ه. ق تکمیل شده است؛ و از چند اتاق و یک تالار ساده تشکیل می‌شود.
۴. مناره سنگی ساده و بلند؛ که استاد محمود ابن مقصود آن را در سال ۶۵۴ ه. ق افزاشته است؛ و شرفه و مقرنس کاری سنگی دارد.
۵. محراب گچبری شده سال ۶۶۶ ه. ق.
۶. کاشی کاری داخل مجموعه نیز عمل استاد عمر ابن محمود قزوینی در سال ۶۸۴ ه. ق است.

کاشی‌های خانقاه پیر حسین کاملاً با کاشی‌های تخت سلیمان عهد ایلخانی قابل مقایسه بوده و معلوم است که استاد قزوینی از شیوه کاشی کاری تخت سلیمان اقتباس کرده است. متأسفانه این کاشی‌های نفیس را حکومت تزاری روسیه از جا کنده و به موزه ارمنستان در سن پترزبورگ منتقل کرده است. صرف نظر از کاشی کاری، افزودن محراب گچبری شده و کاشی کاری فضای داخلی مجموعه نشان می‌دهد که چگونه شیوه شیروان به تدریج تحت تأثیر شیوه‌های نخجوان و تبریز قرار گرفته است.

از نظر نویسنده، مجموعه شیروانشاهان در باکو واپسین نمونه‌ای است که علی‌رغم گسترش دامنه نفوذ شیوه معماری تبریز در عهد ایلخانی - تیموری همچنان به سرمشق‌های شیوه شیروان وفادار مانده است. مجموعه سلطنتی شیروانشاهان باکو نیز در چند مرحله ساخته و تکمیل شده است. سنگ بنای مجموعه را در عهد ایلخانی نهاده‌اند و سپس با افزودن یک مناره در سال ۸۴۵ ه. ق عملیات

احداث تکمیل شده است. این مجموعه چهار دروازه نامنظم و یک خیابان اصلی دارد که مجموعه را به دو قسمت تقسیم می‌کند. طراحان اثر از شیب تپه‌ای که مجموعه بر روی آن ساخته شده است برای صفه‌سازی و توسعه صحن‌ها بهره‌جسته‌اند (تصویر ۴).



تصویر ۴. اسکیس منظر سه بعدی از مجموعه شیروانشاهان در باکو
 مأخذ : Bretanizki et al, 1988

شماره ۱: آرامگاه سید یحیی باکویی؛
 شماره ۲: مسجد کی قباد؛
 شماره ۳: کاخ؛
 شماره ۴: دیوان خانه؛
 شماره ۵: مسجد شیروانشاه؛
 شماره ۶: آرامگاه سلطنتی؛
 شماره ۷: گرمابه

مجموعه شیروانشاهان از ارکان زیر شکل می‌گیرد [هیلن براند، ۱۳۷۷: ۶-۵۱۴]: [Efendizade, 1986: 22-4]:

۱. کاخ و دیوان خانه
۲. آرامگاه خانوادگی ملوک شیروانیه؛ که در سال ۸۳۸ ه. ق بنا شده است.
۳. مسجد شیروانشاه
۴. آرامگاه برجی شکل هشت ضلعی سید یحیی باکویی و بازمانده مسجد کی قباد
۵. گرمابه

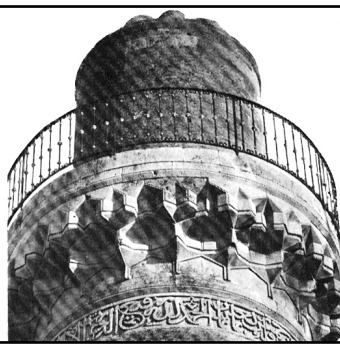
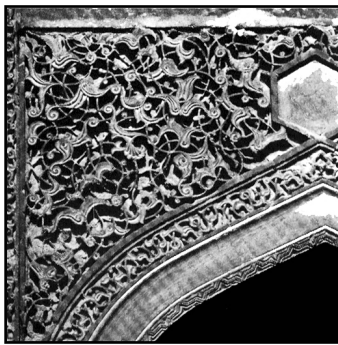
معماران و طراحان مجموعه شیروانشاهان با کاربرد گسترده سنگ‌های پاک‌تراش از جنس آهک خاکستری-آبی، که در ابعاد یکسان حجاری شده‌اند، و با تأکید بر نماسازی واحد و یکسان و همسان کل مجموعه با این سنگ‌ها، رعایت سادگی و اجتناب از تزئینات کاشی نشان داده‌اند که اسلوب معماری شیروان هنوز تا سده‌های هشتم-نهم هجری قمری مورد توجه و عنایت بوده است؛ این در حالی است که معماری سده‌های هشتم و نهم هجری قمری ایران با شیوه معماری تبریز متمایز می‌شود که در آن بر کاشی کاری معرق، پیوستگی مناره‌های متقارن به پیکره بنا و اجرای پلان‌های متقارن دو یا چهار ایوانی بسیار تأکید می‌شده است [آجورلو، ۱۳۸۴، ۱۳۸۸]. حتی وقتی که در سال ۸۴۵ ه. ق به افراشتن تنها مناره مجموعه تصمیم گرفته‌اند، به جای نظام چند مناره‌ای شیوه تبریز، از الگوی تک مناره‌ای عصر نظامی گنجوی پیروی کرده‌اند؛ که از دیدگاه نگارنده، منشاء و علت و دلیل اصلی آن باید در اولین مراحل ساخت و طراحی مجموعه شیروانشاهان جستجو شود. به نظر می‌رسد که در طراحی اولیه مجموعه در اواسط قرن هفتم هجری قمری، سرمشق‌های شیوه شیروان مطلوب معمار یا معماران بوده است؛ بنابراین در مراحل بعدی گسترش و تکمیل مجموعه در سده‌های هشتم و نهم هجری قمری معماران و طراحان برای رعایت اصل هارمونی مجموعه و حفظ وحدت منظر آن، خود را از تأثیرات شیوه معماری تبریز آگاهانه و به عمد دور نگه داشته‌اند. البته باید به مسجد کی قباد اشاره شود که با پلان ساده چهار گوشه و فضای بدون ایوان تنها بنایی است که مشخصات اصیل شیوه شیروان را در این مجموعه عرضه می‌کند. هر چند در مجموعه شیروانشاهان شماری از نشانه‌های تأثیر پذیری از شیوه تبریز مشاهده می‌شود، اما هنرمندان و صنعتگران کوشیده‌اند با نوآوری و بدایع هنری استقلال خویش را به نمایش گذاشته و آثار خود را از دیگر مناطق ایران ممتاز و متمایز کنند :

۱. مقرنس کاری‌های سنگی سردرهای ورودی؛ که در نوع خود بدیع و بی‌نظیراند و نشان می‌دهد که هنرمند علیرغم تأثیرپذیری از شیوه تبریز، با پرهیز از ماده گچ و استفاده از عنصر سنگ کوشیده است که خلاقیت و ابتکار هنری خویش را به نمایش بگذارد (تصویر ۵). نمای ساده و سنگی تالارها و فضاهای درونی مجموعه نیز گاهی با حجاری نقوش هندسی و نباتی تزیین شده است.

۲. گنبد، که صرفاً در کاخ، دیوان خانه، مسجد شیروانشاه و آرامگاه سلطنتی مشاهده می‌شود، از دیگر تأثیرات معماری قرون هشتم- نهم هجری قمری ایران بر مجموعه شیروانشاهان است (نک. شکل ۴). البته معماران بار دیگر با تأکید بر حجاری و پرهیز از کاشی‌کاری و آجرکاری، برای حفظ هارمونی منظر مجموعه تلاش کرده‌اند.

۳. طاقگان و رواق ساده و سنگی دیوان خانه را باید واپسین عناصر معماری دانست که از حاکمیت مطلق آموزه‌های شیوه شیروان بر این مجموعه ممانعت کرده است (نک. تصویر ۴ و ۵).

حجاری پرکار نقش‌مایه‌های نباتی و هندسی و خطوط ثلث از ویژگی‌های ممتاز و بدیع صناعت به کار رفته در تزیین دیوان خانه و مناره است که سرمشق آن باید مسجد کبود تبریز باشد که در آنجا استاد بواب سوره نباء را به خط ثلث بر زمینه سنگ مرمر جاویدان کرده است (تصویر ۶).



تصویر ۶. حجاری نقوش نباتی و خطوط ثلث در مجموعه شیروانشاهان. مأخذ: همان

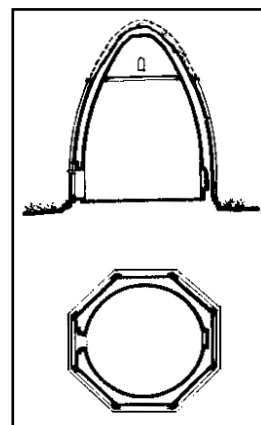
تصویر ۵. مقرنس کاری سردر دیوان خانه با فن حجاری مأخذ: Efendizade 1986

ساخت آرامگاه‌های برجی شکل ساده و و کم‌ارتفاع با گنبدی‌های رک (هرمی شکل) که سازه آجری و نمای ساده سنگی دارند از دیگر ویژگی‌های منحصر به شیوه شیروان است. معدود نمونه‌های شناخته شده این مقابر به شمال آذربایجان و دره رود ارس محدود و منحصر می‌شود. صرف نظر از آرامگاه‌های پیر یحیی باکویی و پیر حسین شیروانی، آرامگاه ملک اژدر در ناحیه لاجین از نمونه‌های کلاسیک شیوه شیروان است [Qiyasi, 1991: 102, 126]. برج ملک اژدر از این نظر برای نگارنده اهمیت دارد که به دلیل فروریزی پوش بیرونی گنبد می‌توان اطلاعات اولیه درباره مهندسی و قدمت بنا را به دست آورد. آرامگاه ملک اژدر یک برج هشت ضلعی است که بازمانده آن ۵ متر بلندا دارد. درازای هر ضلع نیز ۲ متر است [Qiyasi, 1991: 126]. پوش بیرونی گنبد، که فرو ریخته است، در مقایسه با برج‌های پیر یحیی باکویی و پیر حسین و نیز الینجه باید از نوع هرمی شکل بوده باشد؛ اما پوش درونی، که سالم مانده است، از نوع قوس چپله یا قوس بستو می‌باشد (تصویر ۷) که در گنبد قابوس استان گلستان مشاهده می‌شود [معماریان ۱۳۶۷: ۵۱، شکل ۳۷]. کاربرد قوس چپله یا بستو در برج ملک اژدر به روشنی تأثیر اسلوب خراسانی بر شیروانی را نشان می‌دهد. آرامگاه فاقد هر گونه کتیبه‌ای است که قدمت آن را معرفی کند؛ اما نویسنده بر مبنای مقایسه پوش درونی گنبد با گنبد قابوس و سادگی و نمای ساده سنگی آن و همچنین کوتاهی ارتفاع در مقایسه با انواع مکتب نخجوان، همانند آرامگاه مؤمنه‌خاتون که پر تزیین است و ۳۰ متر بلندی دارد [Salamzadeh 1976: 16-30; Qiyasi, 1991: 95-9] برج ملک اژدر را در گروه شیروان طبقه بندی کرده و به سده پنجم هجری قمری منسوب می‌کند. معماری آرامگاه‌های برجی شکل به مهاجران ترک آسیای میانه و ترکستان منسوب است [هیلن براند، ۱۳۷۷: ۷-۳۳۶] و اقوام مهاجر ترک در سده پنجم هجری قمری (۴۲۱ ه. ق)

وارد آذربایجان شدند (رک. مشکور، ۱۳۵۲). همچنین برج‌های دو قلوی خرقان (۴۶۰ و ۴۸۶ ه. ق.) را قدیمی‌ترین آرامگاه‌های برجی شکل آذربایجان دانسته‌اند [کیانی، ۱۳۷۴: ۶۵]. بنابراین آرامگاه ملک اژدر نمی‌تواند قدیمی‌تر از سده پنجم هجری قمری باشد. آرامگاه برجی شکل هشت ضلعی قارلیجا (برف گیر) در ساحل رود ارس، که نگارنده از نزدیک آن را مشاهده و بررسی کرده است، از دیگر نمونه‌های قابل اشاره است که می‌توان آن را با برج ملک اژدر مقایسه کرد (تصویر ۸).

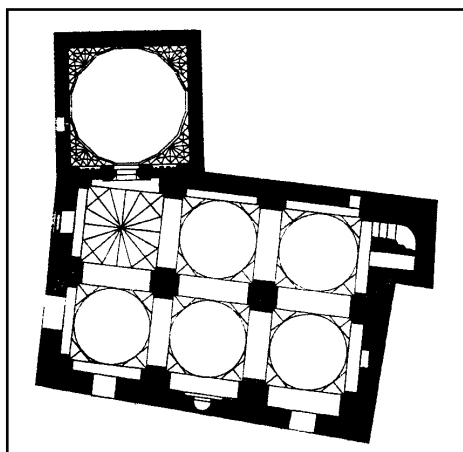


تصویر ۸. آرامگاه برجی شکل قارلیجا
مأخذ: نگارنده

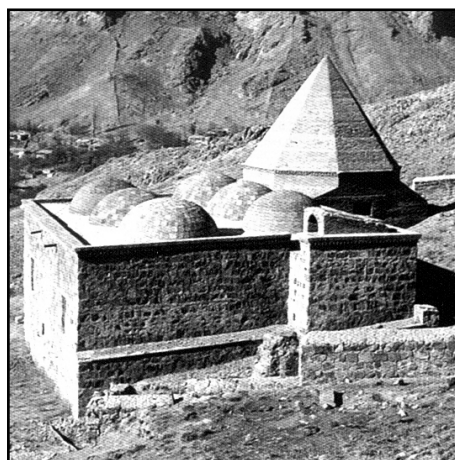


تصویر ۷. پلان و برش آرامگاه ملک اژدر در لاجین
مأخذ: Qiyasi 1991

در روستای الینجه نخجوان خانقاهی به نام پیر خراسان یا شیخ خراسان قرار گرفته است که آن را با نام خانقاه الینجه نیز می‌شناسند [Salamzadeh, 1976; Qiyasi, 1985; Bretanizki et al, 1988: 63]. قدمت خانقاه به درستی دانسته نیست؛ اما بریتانیسکی آن را بین سده‌های پنجم تا هشتم هجری قمری معرفی می‌کند [Bretanizki et al, 1988: 63]. از نظر نویسنده اما پیر خراسان می‌تواند دو مرحله متمایز معماری داشته باشد که مرحله اول آن آرامگاه برجی شکل است که مشخصاتی مشابه مکتب شیروان دارد: یک برج چهار ضلعی کوتاه با گنبدهرمی شکل ساده و سنگی هشت ضلعی که درگاه ساده آن به شبستان خانقاه باز می‌شود (تصویر ۹). گنبد بر روی یک ۱۶ ضلعی استوار شده است که پوشش بیرونی رک و پوشش درونی قوسی شکل دارد. زاویه شبستان چهار گوشه خانقاه اما نسبت به برج شیخ خراسان انحراف داشته و متناسب و متقارن با آن نیست؛ همین انحراف زاویه نشان می‌دهد که شبستان را بعدها ساخته و به آرامگاه شیخ الحاق کرده‌اند. شبستان از نوع ستون‌دار با طاق‌های ضربی است که شش گنبد کوچک دارد (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰. پلان خانقاه و آرامگاه شیخ خراسان در الینجه
نخجوان. مأخذ: Bretanizki, 1988



تصویر ۹. آرامگاه برجی شکل پیر خراسان در الینجه
نخجوان (با سپاس از آکادمیسین ولی بخشعلی)

نتیجه گیری

شیوه معماری شیروان با بهره‌گیری از مصالح بوم‌آورد و بر شالوده سنت‌ها و اسلوب معماری عهد ساسانی در سده پنجم هجری قمری شکل گرفته و تا سده نهم هجری قمری استمرار داشته است. آثار معماری اسلامی شیوه شیروان از نمونه‌های شاخص سیر تحول معماری تاریخی ایران است که سنت گرا بوده و محافظه کار عمل می‌کند؛ بر حفظ میراث عهد ساسانی اصرار کرده و تغییرات فنی و هنری جدید را به آهستگی می‌پذیرد. شاید همین سنت‌گرایی و محافظه‌کاری باشد که سبب شد شیوه معماری شیروان به شمال آذربایجان محدود بماند؛ و همین تقابل سنت‌گرایی و محافظه‌کاری شیوه شیروان با شیوه‌های پویا، تعالی‌گرا و سنت‌شکن نخجوان و تبریز، که از تعامل با شیوه‌های معماری اسلامی خراسان استقبال کردند، سرانجام موجب بازایستادن و حذف آن شد.

محافظه‌کاری شیوه شیروان سبب شد که عناصر وارداتی را به آهستگی جذب و هضم کرده و بکوشد با تغییر آنها شخصیت مستقل خود را حفظ کند. از مهمترین دلایل تلاش برای تغییر ظاهر و قیافه عناصر وارداتی، مثل مناره و مقرنس، تلاش برای حفظ وحدت منظر و رعایت اصل هارمونی بوده است؛ تا متناسب با هنجارهای شیوه شیروان باشند.

شیوه شیروان در طراحی و ساخت مساجد هر چند الگوهای بومی و محلی و تاریخی خود را دارد، اما در طراحی آرامگاه‌های برجی شکل به دلیل فقدان چنین الگوهایی ناچار شده است که از سرمشق‌های مهاجران ترک استفاده کند؛ اما در اینجا نیز معماران با ایجاد شیوه‌ها و خصوصیات محلی، معماری مقابر برجی شیوه شیروان را متمایز و متفاوت کرده‌اند.

فهرست منابع

- آجورلو، بهرام. ۱۳۸۴. "درآمدی بر سبک معماری آذربایجان: ویژگی‌ها و قلمرو جغرافیایی". کنگره طرح احیای ربع رشیدی و فرهنگ و تمدن ایران عصر ایلخانی. دانشگاه تبریز.
- آجورلو، بهرام. ۱۳۸۸. پژوهشی باستان‌شناختی در ارک علیشاه تبریز. انتشارات فروغ آزادی. تبریز
- پیرنیا، محمدکریم. ۱۳۵۰. "سبک شناسی". هنر و معماری. شماره ۱۱-۱۰. صص. ۶۶-۵۳.
- پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۵۴. "سبک آذری". مجله فرهنگ معماری ایران. شماره ۱ ص. ۵۵.
- پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۶۹. شیوه‌های معماری ایرانی. مؤسسه نشر هنر اسلامی. تهران
- پیرنیا، محمد کریم. ۱۳۸۰. سبک شناسی معماری ایرانی. تدوین غلامحسین معماریان. نشر پژوهنده و نشر معمار. تهران
- سرفراز، علی اکبر. ۱۳۴۷. تخت سلیمان. دانشگاه تبریز.
- فن در اوستن، هنینگ و رودلف ناومان. ۱۳۷۳. تخت سلیمان. ت: فرامرز نجد سمیعی. سازمان میراث فرهنگی کشور. تهران
- کیانی، محمد یوسف. ۱۳۷۴. تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی. سمت. چاپ اول. تهران
- مشکور، محمد جواد. ۱۳۵۲. تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری. انجمن آثار ملی. تهران
- معماریان، غلامحسین. ۱۳۶۷. نیارش سازه‌های طاقی در معماری اسلامی ایران. سازمان جهاد دانشگاهی. تهران
- هرمان، جرجینا. ۱۳۷۳. تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان. ت: مهرداد وحدتی دانشمند. مرکز نشر دانشگاهی. تهران
- هیلن براند، رابرت. ۱۳۷۷. معماری اسلامی. ت: ایرج اعتصام. چاپ شهرداری تهران

- Bretanizki, Leonid et al. 1988. **Die Kunst Aserbaidshans** : Von 4. Bis 18. Jahrhundert. Anzeiger für die altertumswissenschaft 43. Leipzig: Koehler und Amelang Verlag.
- Efendizade, Renna M. 1986. **Architecture of the Soviet Azerbaijan**. Moscow: Storiizdat.
- Jackson, Abraham V. W. 1911. **From Constantinople to the Home of Omar Khayyam: Travels in Transcaucasia and Northern Persia for Historic and Literary Research**. Norwood, Massachusetts: McMillan Co.
- Kleiss, Wolfram. 1979. **Die Masjid-e Sang in Tark (Azerbaijan)**, AMI, Band 12, pp. 353-9.
- Levi, Scott C. 2002. **The Indian Diaspora in Central Asia and Its Trade, 1550-1900**. Leiden: Brill Academic Publishers.
- Qiyasi, Cəfər Ə. 1985. **Yaxın Uzaq Ellər'də**. Bakı: Işıq Nəşriyati.
- Qiyasi, Cəfər Ə. 1991. **The Architectural Monuments of Nizami Period**. Bakı: Işıq Nəşriyati.
- Qiyasi, Cəfər Ə. 1997. **Me'mar Xaca Əlişah Təbrizi: Dövrü və Yaradıcılığı**. Bakı: Işıq Nəşriyati.
- Salamzada, Abdulvəhab. 1976. **Əcəmi Əbubəkr Oğlu Naxçıvani Me'marlıq Abidələri**. Bakı: Işıq Nəşriyati.